

آموزش رسمی است، آموزش موسیقی نیز به صورت مادام‌العمر وجود ندارد. در سنین کودکی ممکن است یاد بگیریم که ساز بنوازیم یا در گروه نوازندگان آواز بخوانیم. بعضی از ما ممکن است علاقه خود را از دست بدهیم و دیگر ساز نزنیم. اگر فعالیت‌های موسیقی را تا بزرگسالی ادامه دهیم، ممکن است به وسیله خانواده و دغدغه‌های کاری مختل شود. در زمان بازنشستگی زمان بیشتری وجود دارد و ما ممکن است بخواهیم سازی را مجدداً یاد بگیریم یا با دیگران آواز بخوانیم و مهارت و نوازندگی خود را ارتقا دهیم. بعضی از مردم موسیقی را فعالیتی برای اوقات فراغتشان می‌دانند و آنها وقت و تلاش زیادی را برای آن انجام می‌دهند (مراجعه به فصل ۴). سرگرمی خویش را با موسیقی چگونه معنا می‌کنید؟ آیا عمدتاً شما شنونده هستید؟ اگر در ساخت موسیقی فعالانه شرکت کنید، مسئولیت‌پذیر هستید؟

بسیاری از سرگرمی‌های موسیقی شامل ساخت موسیقی توسط دیگران است. اگرچه ثابت شده است که هر فردی می‌تواند از نظر موسیقی خلاق باشد. برای افرادی در سن مدرسه، آهنگ سازی و بداهه، بخش جدایی‌ناپذیر از برخی برنامه‌های تحصیلی موسیقی اجباری هستند. فرصت‌های زیادی در اجتماع برای افراد تمام سنین وجود دارند تا مهارت‌های موسیقی خلاق را توسعه دهند و حتی قدیمی‌ترین آن‌ها، بدون آموزش رسمی موسیقی، می‌توانند آهنگ‌ها را بسازند. اصلی‌ترین سرگرمی اکثر مردم، گوش دادن به موسیقی است. گوش دادن به موسیقی یک فعالیت برای اوقات فراغت است و به ما امکان می‌دهد درک خود را از موسیقی افزایش دهیم. تکنولوژی، روشی را که ما به موسیقی گوش می‌دهیم تغییر داده و به راحتی در دسترس قرار می‌دهد. ما می‌توانیم این موضوع را که چه موقع و چگونه به موسیقی گوش بدهیم را کنترل کنیم و اولویت‌های موسیقی خود را اصلاح کنیم. موسیقی به ویژه در سنین بالاتر ما را قادر می‌سازد که خاطرات خود را به یاد بیاوریم.

با افزایش سن، بیشتر در معرض ناتوانی موسیقایی از طریق آسیب مغزی هستیم. این امر می‌تواند بر شرکت در فعالیت‌های موسیقی و یادگیری آن‌ها اثر

داشته باشد. اگرچه ما معمولاً راهکار های جبرانی را برای کاهش چنین محدودیت‌های جسمی و شناختی پرورش می‌دهیم اما ممکن است با چالش‌هایی در رابطه با زوال شنوایی، بینایی و سرعت پردازش روبرو شویم. معمولاً هر چند وقت یکبار به موسیقی گوش می‌دهید؟ به مدت چند روز دفتر خاطرات را بردارید و از اینکه چه چیزهایی گوش می‌دهید و چند بار گوش می‌دهید را یادداشت کنید. این موضوع چه چیزی را در مورد خودتان به شما می‌گوید؟

نتیجه‌گیری^۱

انسان‌ها از پیش برنامه‌ریزی شده‌اند تا موسیقی را پردازش کنند. سیستم‌های اساسی برای پردازش موسیقی از بدو تولد وجود دارند و در سالهای اولیه با در نظر گرفتن سیستم تونال برجسته^۲، توسعه می‌یابند. مسیر خاصی از رشد موسیقی که هر یک از ما دنبال می‌کنیم به محیط فرهنگی و خانوادگی که در آن تربیت شده‌ایم، فرصت‌هایی که داریم، انتخاب‌هایی که در رابطه با آن فرصت‌ها و میزان تعهد خود انجام می‌دهیم بستگی دارد. اینها می‌توانند در طول عمر تغییر کنند. در حالیکه نوزادان و کودکان خردسال موسیقی کودکانه را ترجیح می‌دهند، اما بزرگترها بدون هیچ اولویتی موسیقی‌ها متعددی را ترجیح و گوش می‌دهند. این افراد در نوجوانی رشد می‌کنند و به هویت و عضویت در گروه وابسته می‌شوند. در حالیکه اولویت‌ها با گذشت زمان تغییر می‌کنند، مدت زمان تغییر به سن، جنس، شخصیت، آموزش موسیقی و هویت بستگی دارد. همچنین اولویت‌ها به آشنایی و پیچیدگی موسیقی نیز بستگی دارد. پیشرفت موسیقی می‌تواند در طول زندگی تا پیری از طریق ساختن موسیقی فعال یا گوش دادن ادامه یابد.

^۱ Conclusions

^۲ dominant tonal system

موسیقی در زندگی روزمره

توسعه در رسانه‌های الکترونیکی در اواخر قرن بیستم، دسترسی و استفاده از موسیقی را در زندگی روزمره متحول کرد. در دنیای غرب، موسیقی تقریباً در همه جنبه‌های زندگی فرد مشهود است. موسیقی در سوپرمارکت‌ها، مراکز خرید، رستوران‌ها، عبادتگاه‌ها، مدارس، رادیو و تلویزیون و از طریق وسیله گرامافون پخش می‌شود. موسیقی نقش مهمی در تئاتر، تلویزیون، فیلم، ویدیو، بازی‌های ویدیویی و تبلیغات ایفا می‌کند. همچنین در قالب‌های بسیار متنوعی، از طریق تلفن‌های هوشمند، تبلت و کامپیوترها موسیقی را پخش می‌شود. این فناوری‌های جدید نحوه تعامل مردم با موسیقی را تغییر داده‌است. به طور روزافزون، افراد قادرند تا گوش دادن به موسیقی خود را کنترل کنند و این موضوع منجر به الگوهای کاملاً شخصی و پیچیده در استفاده روزانه از موسیقی می‌شود.

در کشورهای پیشرفته، میزان تعامل مردم با موسیقی در صنعت موسیقی سراسر جهان منعکس می‌شود. در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، موسیقی یکی از مهمترین عوامل تولید کننده درآمد اقتصادی است. گوش دادن به موسیقی یک فعالیت مهم در اوقات فراغت برای افراد در همه سنین به ویژه در نوجوانان و افراد مسن است. قبل از این تحولات، فقط موسیقی در صورتیکه خود مردم آهنگی را می‌ساختند و یا در مراسم مذهبی یا اجتماعی شرکت می‌کردند در دسترس بود. علاوه بر افزایش در دسترس بودن موسیقی، فرصت‌های بیشتری برای ساختن موسیقی نیز وجود دارد. اکنون افراد بیشتری در هر سنی نواختن ساز یا آواز خواندن و شرکت در گروه‌های موسیقی را می‌آموزند. به‌طور کلی، شواهد گسترده‌ای درباره نقش اساسی موسیقی در زندگی مردم وجود دارد.

علت گوش دادن ما به موسیقی

اگرچه ممکن است گوش دادن به موسیقی را یک فعالیت خاص در نظر بگیریم که هدف آن افزایش درک و فهم موسیقی است، اما در عمل به دلایل مختلفی ممکن است به موسیقی گوش بدهیم. این بدین معنا نیست که ما با توجه کامل، به موسیقی گوش نمی‌دهیم. همان‌طور که در فصل ۱ مشاهده کردیم، امروزه می‌توانیم از موسیقی برای دستکاری خلق، برانگیختگی و احساسات خود استفاده کنیم و محیطی را ایجاد کنیم که می‌تواند احساس و رفتار دیگران را دستکاری کند. ما می‌توانیم از موسیقی برای کاهش استرس، غلبه بر هیجانات قوی، ایجاد روحیه مناسب برای رفتن به یک مهمانی، یادآوری خاطرات یا تمرکز و به‌طور کلی برای رفاه خود استفاده کنیم (به فصل ۵ مراجعه کنید). همان‌طور که در فصل ۳ دیدیم، موسیقی می‌تواند از روشی که ما خودمان را معرفی می‌کنیم و پیشرفت خود را به عنوان یک انسان ارتقا می‌دهیم، حمایت کند.

معمولاً هنگامی که نوجوان هستیم موسیقی زیادی گوش می‌دهیم که به گذراندن زمان، رفع خستگی، کاهش تنش و دوری از نگرانی کمک می‌کند. گاهی اوقات نوجوانان از موسیقی به عنوان وسیله‌ای برای ابراز خشم، با هجوم به اتاق خواب و افزایش صدای موسیقی برای بیان احساسات استفاده می‌کردند. همان‌طور که در فصل ۳ مشاهده کردیم، یکی از کارکردهای موسیقی برای نوجوانان، شکل‌گیری هویت و ارتباط با آن هویت است. جوانان تمایل دارند با کسانی که سلیقه مشابهی از نظر موسیقی دارند دوست شوند. نوجوانان با انجام مقایسه‌های اجتماعی^۱ می‌توانند گروه همسالان خود را به شکل دلخواه تری نسبت به سایر گروه‌ها مجسم کنند، بنابراین می‌توانند ارزیابی‌های مثبتی داشته باشند که موسیقی این روند را تسهیل می‌کند. البته گاهی اوقات این هویت‌ها ممکن است توسط جامعه منفی تلقی شود، به عنوان مثال افرادی که

^۱ social comparisons

با هوی متال (متال)^۱، گوت^۲، هیپ هاپ^۳، یا گرانج^۴ کار می‌کنند. آهنگ‌های ضداجتماعی می‌تواند منجر به افکار و نگرش‌های ضد اجتماعی شود و در بعضی موارد، باعث رفتارهای پرخاشگرانه در جوانان آسیب‌پذیر شود و ممکن است تأثیر منفی بر افراد بدنام داشته باشد. ممکن است موسیقی با کاوش در هیجانات منفی مشکلات سلامت روانی را بدتر کند. تأثیر این امر می‌تواند از طریق تعامل با همسالان هم‌عقیده، در خرده‌فرهنگ‌های موسیقی تشدید شود. موسیقی می‌تواند معانی و اهداف متفاوتی برای جوانان در فرهنگ‌های مختلف داشته باشد. به‌طور کلی، موسیقی در دو بعد فراگیر قرار می‌گیرد: بعد شهودی یا عاطفی (فردی) و بعد درون فردی، بین فردی/اجتماعی (جمع‌گرایی). نوجوانان از موسیقی برای انتقال هویت فرهنگی در جوامع جمع‌گرا بیشتر از جوامع فردگرا استفاده می‌کنند. از نظر فرهنگی به نظر می‌رسد کارکردهای متداولی در گوش دادن به موسیقی نوجوانان وجود دارد؛ پخش موسیقی در پس زمینه، گوش دادن با تمرکز بالا، ابراز هیجانات منفی؛ ارتباط با سایر هیجانات مانند رقصیدن و مربوط به دوستی، خانواده، سیاست، ارزشها و هویت فرهنگی.

این کارکردها را شنوندگان مسن‌تر توصیف می‌کنند و از گوش دادن و ساختن موسیقی به عنوان بیان فردیت خود و راهی برای تعریف خود استفاده می‌کنند.

گوش دادن به قطعات موسیقی خاص می‌تواند باعث یادآوری خاطرات و تجربیات و احساسات مرتبط با آن تجربه شود، برای مثال به‌خاطر آوردن کنسرتی که در آن شرکت کرده بودیم یا زمانی که نتیجه یک آزمون بزرگ یا مصاحبه شغلی را شنیدیم، به چه چیزی گوش میدادیم. برای افراد مسن، گوش

^۱ heavy metal

^۲ goth

^۳ hip hop

^۴ grunge